

چایخانه کاغذی، ایده‌های موفق در گردشگری

ایده‌های خلاقانه در تلفیق سنت و مدرنیته منجر به کسب‌وکار در حوزه گردشگری می‌شود. یک نمونه از این ایده‌ها در ژاپن این روزها سر و صدای زیادی بر پا کرده، یک طراح خوش ذوق ژاپنی چایخانه‌ای را طراحی کرده که به طور کامل از کاغذ ساخته شده و می‌توان آن را به راحتی جابجا کرد و از محلی به محل دیگر برد. طراح این چایخانه آن را به شکل یک دایره بزرگ طراحی کرده که یادآور منازل محل سکونت اسکیموهاست. چایخانه یاد شده که Shi-An نام دارد، اولین بار در کیوتو نصب و برنده جوایز مختلفی شده است.

یکشنبه ● ۵ شهریور ۱۳۹۶ ● شماره صد و هفده

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

آزمایشش

می‌توانیم از صفر شروع کنیم



اهداف کوچک با دورنمای روشن چیزی است که نیروی محر که کار و امید را بیدار می‌کند اما در پله‌های بعدی است که هدف‌ها محکم‌تر و بزرگ‌تر می‌شوند و از میان آن‌ها جریان‌های جدیدی رخ می‌دهد. / عکس: محمد دلکش

هنر وارد شدن به بازار هنر

گفت‌وگو با ستاره آزموده، مجسمه‌ساز

فاطمه علی اصغر ●

● روزنامه‌نگار ●

|||||

وارد بازار هنر شدن هم هنر می‌خواهد. رقابت‌ها طاقت‌فرساست. هنرمند در چالش مداوم میان هنر و چگونگی ارایه آن است. «ستاره آزموده» اما توانست در این بازار آشفته آستین بالا بزند و وارد بازار کار شود. او فعالیتش را از کارگاه‌های اجاره‌ای شروع کرد تا اینکه توانست به همراه همسرش کارگاهی در جاده خاوران راه بیندازد و وارد فاز جدیدی از کارش بشود.

ستاره، مجسمه‌ساز جوانی است که دل به رویاهای بزرگ بسته. یادش می‌آید؛ روزهایی که برای نخستین بار روی حجم‌های بزرگ کار می‌کرد؛ خیلی از مردم با تعجب به او نگاه می‌کردند. این روزها اما پروژه‌های متعددی تعریف می‌کند. پروژه‌های گروهی که در آن از هنرمندان دیگر هم با توجه به نوع پروژه استفاده می‌کند. او راز موفقیتش را صبر و پیگیری می‌داند.

سومین سمپوزیوم و متریال سنگ

کارگاهش، سسوله‌ای ۲۰۰ متری در جاده خاوران است. گوشه گوشه این کارگاه پر است از ابزار و خرده چوب و... ستاره آزموده در حال و هوای فضایی که تنفس در آن را دوست دارد، نقب می‌زند به روزهای کودکی اش: «در دوران

تجربه آموزگار هندی برای تدریس زبان انگلیسی

روش‌هایی خلاقانه برای کمک به دانش آموزان کم‌بضاعت

فریبا عوض‌زاده●

● مترجم ●

|||||

ایالت تامیل نادو هندوستان جایی است که در آن مدارس دولتی درگیر کمبود امکانات هستند؛ در نتیجه بسیاری از آموزگاران تلاش بسیاری برای جبران این ضعف و عرضه بیشترین توان خود به دانش آموزان را دارند. خانم «کریشناونی» در این میان نشان داد که اگر اراده انجام کاری وجود داشته باشد، راه انجام آن هم پیدا می‌شود.

کریشناونی از آموزگاران زبان انگلیسی است که تا سال ۲۰۰۴ در یک مدرسه خصوصی کار می‌کرده. پس از آن او، امکان کار در یک مدرسه دولتی را به دست آورد. این موقعیت شغلی جدید چشمان او را به روی واقعیت‌های تعجب برانگیزی در باره مدارس دولتی، باز کرد. او خودش در اینباره می‌گوید: «یک روز از دانش آموزان کلاس هفتمم خواستم که پاسخ تعدادی

پرسش درباره یکی از فصل‌هایی را که برایشان تدریس کرده

بودم، بدهند. با تعجب دیدم که همه دانش آموزان به استثناء

یک نفر قادر به نوشتن به انگلیسی نیستند. حتی همان یک

دانش‌آموز هم قادر به خواندن انگلیسی نبود و بعد متوجه

شدم که پاسخ‌ها را حفظ کرده و بر اساس محفوظات آنها را

بازنویسی کرده است.»

این اتفاق گویی او را از خواب بیدار کرد تا متوجه برخی موارد بنیادی شود. بسیاری از این دانش آموزان متعلق به خانواده‌های فقیری بودند که اشتیاقی به آموزش و تحصیل نداشته و اهمیت آموزش و تحصیل را نمی‌دانستند. از همین‌جا بود که او شروع به ایجاد تغییر در برخی شیوه‌های آموزشی کرد تا دانش آموزان را ترغیب به آموختن کند. مثلا نحوه

روخوانی یکنواخت از روی متون درسی را تغییر داد به شکلی

که دانش آموزان مشتاق به مشارکت در آن شدند. به این ترتیب

کریشناونی شاهد بروز برخی تغییرات در دانش آموزان شد. آنها

در حال تغییر نگرش خود نسبت به آموزش بودند. اینک او به

به خاطر نوع کار با سختی‌هایی روبه‌رو شدم که انتظار آن‌ها را نداشتم اما به مرور زمان یاد گرفتم

مشکلات کنار بیایم و آن‌ها را حل کنم. مثلا اولین کار شهری ام را با آهن در فضای باز اجرا کردم، اولین

روزی که فرز دست گرفتم خیلی‌ها با تعجب نگاه کردند. بین آن‌گاه‌ها هم تشویق دیده می‌شدم

افسوس ولی برای موفق بودن باید صبور بود و پیگیری کرد

به خاطر نوع کار با سختی‌هایی روبه‌رو شدم که انتظار آن‌ها را نداشتم اما به مرور زمان یاد گرفتم

مشکلات کنار بیایم و آن‌ها را حل کنم. مثلا اولین کار شهری ام را با آهن در فضای باز اجرا کردم، اولین

روزی که فرز دست گرفتم خیلی‌ها با تعجب نگاه کردند. بین آن‌گاه‌ها هم تشویق دیده می‌شدم

افسوس ولی برای موفق بودن باید صبور بود و پیگیری کرد



کتینو | ۰۹

باید صبور بود و پیگیری کرد.»

برنامه‌ریزی و تشکیل گروه

ستاره مهمترین دستاورد زندگی‌اش را در حقیقت تجربه‌ای می‌داند که خودش کسب کند و لذتی که از تمام لحظات اجرای آن ببرد. او در پروژه‌هایی که یک گروه لازم دارد؛ سعی می‌کند تا در ابتدا برنامه‌ریزی کند و با توجه به کیفیت و زمان‌بندی پروژه گروه تشکیل دهد. در پروژه‌های او معمولا بین سه تا هفت نفر مشغول هستند. او جمع‌آوری نیروهای مرتبط و طرح مسئله درست برای تداوم یک پروژه را بسیار کلیدی می‌داند.

ستاره می‌گوید: «به نظرم اهداف کوچک با دورنمای روشن چیزی است که نیروی محرکه کار و امید را بیدار می‌کند اما در پله‌های بعدی است که هدف‌ها محکم‌تر و بزرگ‌تر می‌شوند و از میان آن‌ها جریان‌های جدیدی رخ می‌دهد. البته که بسندگی سمی است که مدام باید از آن دوری کرد تا خلاقیت و نوآوری معنی خودشان را در پروسه از دست ندهد.» درک از فضا و پی بردن به ضعف‌ها و قوت‌ها از اساس کار اوست: «وقتی ما ضعف و قدرتمان را بشناسیم، می‌توانیم از آن‌ها در جهت پیشبرد هدفمان استفاده کنیم. پیگیر بودن در کار و درست‌طی کردن مرحله ایده خام تا پروراندنش نیاز به صبر و پشتکار دارد که به نظرم همان جایی است که موفقیت حاصل می‌شود.»

آینده یک ثانیه بعد است

«آینده لحظه دوری نیست یک ثانیه بعد درست همان آینده است فقط با این تفاوت که نگاه سر مایه‌داری سرعتی سرسام‌آور به آن داده است. همه چیز در ابعاد انبوه تولید و به همان سرعت دور ریخته می‌شوند که البته هنر هم درگیر این روند می‌شود چون مستثنا از این فضا نیست و با شرایط محیطی تغییر می‌کند.» ستاره این‌ها را می‌گوید و امیدوار به آینده، دست به کار می‌شود: «به نظر من، خرده فعالیت‌هایی در بین جوانان در حوزه‌های صنایع دستی و طراحی صنعتی و طراحی لباس و... شکل گرفته که باید دید این تداوم و پیشرفت و پیدا کردن مخاطب چگونه پیش خواهد رفت، که امیدوارم پایدار و پویا بمانند.» او چالش هنر و ارایه آن در بازار کار را اینگونه حل کرده: «در رابطه با فعالیت شخصی خودم باید بگویم که حضور در عرصه هنر امری حیاتی برای هنرمند است، این حضور وابسته به استمرار در فعالیت است، فعالیتی توامان خلاقه و بدون تکرار. سعی من هم ماندن در این فضا و ارایه فضای ذهنی ام به مخاطب است چه در قالب مجسمه، چه یک مبلمان شهری و خانگی.» این مجسمه‌ساز نقب می‌زد به روزهای اولیه کارش: «برای اولین کارها مجبور بودیم کارگاه‌های مختلف اجاره کنیم که به خاطر شرایط نامناسب کارگاه‌ها خیلی اذیت می‌شدیم اما بعد از یک مدت توانستیم یک سوله بخریم. کم‌کم توانستیم ابزار و تجهیزات به آن اضافه کنیم.» او از راهی که طی کرده هم می‌گوید: «ما بیشتر مجسمه‌شهری می‌سازیم که تقریبا یک سال است وارد فضای فرنیچر و مبلمان خانگی هم شده‌ایم و به صورت سفارش فردی کار می‌کنیم. با دوستانمان که معمار بودند. سعی می‌کنیم از بازاری شدن دوری کنیم و برای هر فرد یک مبلمان طراحی شود با علاقه‌ها و سلیقه‌ای که دارد. سعی می‌کنیم با روحیات فردی مبلمان را طراحی کنیم.»



لحظهٔ آها

●مهران امیری●

|||||

درسی که از کارخانه

«چسب هل» گرفتیم

انتشار تصویری از برگزاری مراسم اجباری و انواع جریمه‌های نقدی و غیرنقدی برای موارد مختلف عملکرد کارکنان در یک شرکت تولیدی در روزهای گذشته بحث‌های بسیاری را در فضای مجازی برانگیخت. آشکار شدن این نوع رفتارها و اظهارات صاحب و مدیر این شرکت پس از آن، بر دامنه و ابعاد هشدارها نسبت به این نوع رفتارها افزوده است. آنچه مهم است اینکه در پس هیاهوی اعتراض‌ها و پاسخ‌های احساسی، این موضوع را از این زاویه نیز می‌توان بررسی کرد که در فضای کسب و کار تا چه اندازه می‌توان با توسل به انگیزه‌ها و حساسیت‌های معنوی اقداماتی غیر عرفی و فراتر از قانون انجام داد؟

در کنار اخبار و تصویری که به سرعت درباره این شرکت منتشر شد، خبرهای دیگری هم از انجام موارد مشابه در تعدادی دیگر از مراکز تولیدی به گوش رسید که حتی اگر آنها را محصول هیاهو و رفتارهای جنجال‌برانگیز بدانیم، وقوع حتی همان یک مورد هم نگران‌کننده است. این مورد که در ابتدا به نظر می‌رسید حاصل کج‌سلیقگی یک فرد در ترغیب دیگران به انجام فرایض دینی باشد، پس از اظهارات مدیر شرکت که اساس تاسیس تولیدی خود را به نماز ربط داده این پرسش را ایجاد کرده است که صاحبان کسب و کارها تا چه اندازه می‌توانند اهداف و برنامه‌های تجاری و اقتصادی خود را با اعتقادات و آرمان‌های عقیدتی شان پیوند بزنند؟ آیا آنها در صورت ایجاد چنین پیوندی و با تکیه بر تقدس برگرفته از اعتقادات دینی مجاز به انجام رفتارهایی فراتر از قانون هستند؟

در چنین مواردی تکلیف مراجع قانونی برای نظارت بر حسن اجرای قانون چیست؟ آیا اگر کارکنان چنین مراکز ی رفتارهای عقیدتی صاحبان آن کسب و کار را مخالف حقوق قانونی خود بدانند، مورد حمایت قانون و مراکز قانونی قرار می‌گیرند؟ این در حالی است که اگر به هر دلیلی مدیران و متولیان امر نسبت به حسن نظر و نتیجه کار یک کسب و کار بنا نشده بر مبنای تعالیات عقیدتی ابراز اعتماد نمایند، آیا مجاز به مسامحه در قبال سایر صاحبان کسب و کارها که برداشت‌های متفاوتی از عقاید و آموخته‌های دینی دارند هم هستند؟

در صورت باز شدن مسیر چنین رفتارهایی، برخورد با سوء استفاده‌ها از چنین فضایی را چگونه می‌توان مدیریت کرد؟ در این میان استیفای حقوق قانونی کارکنان و جاری کردن قوانین مصوب مراکز عالی قانونگذاری چگونه مقدور خواهد شد؟

اساسا انجام چنین رفتارهایی در صورت وجود یک نظام مستقر قانونی که مبتنی بر مبنای دینی و تحت نظارت مراجع مختلف تصمیم‌ساز متعهد به چارچوب‌های اعتقادی است، ما را به سمت بدعت‌ها و قوانین خاص و محلی پیش نخواهد برد؟

در کنار همه اینها لازم است به این نکته نیز توجه کنیم که رابطه بین انگیزه هر عملی با حاصل آن، یا به قولی انگیزخته آن، همواره مورد مجادله بوده. آیا ما با تکیه بر انواع انگیزه‌های مقدس و خیرخواهانه می‌توانیم هر حرکتی را انجام دهیم و خود را فارغ از نتیجه یا همان انگیزته بدانیم؟ تمسک به انواع عناصر گفتمانی برگرفته از دین و اعتقادات مورد احترام مردم برای توجیه رفتارهای فراقانونی در یک کشور مبتنی بر قانون و معتقد به اصول و قواعد دینی منجر به هرج و مرج شده و مبنای اعتقادی جامعه را نیز سست می‌سازد. تجربه نیز نشان داده که اگر پیروان چنین روش‌هایی به دنبال پناه گرفتن در پشت باورهای دینی با هدف بهره‌برداری‌های خاص نباشند، عموما مبلین مناسب و مفیدی برای حفظ یا ارتقاء امور اعتقادی هم نیستند. این در حالی است که فعالان عرصه‌های مختلف کسب و کار در نخستین گام موظف به اجرای درست وظایف اقتصادی خود هستند و موفقیت آنان در عرصه‌های کاری به شکلی بهتر و موثرتر در خدمت اهداف اعتقادی قرار می‌گیرد.

منبع: yourstory.com